

سرنوشت در هم تنیده شیعه و سنی



یکم: سه اشتراک کلان بین شیعه و سنی

فرا تر از تمامی مشترکات ریز و درشت تشیع و تسنن در حوزه‌های فکری، فرهنگی و علمی، سه مقوله‌ای مهم در این میان جایگاهی محوری‌تر را به خود اختصاص داده است. ویژگی این سه مشترک آن است که توجه و تمرکز بر آنها به ایجاد پیوندی انکارناپذیر، زوال‌ناپذیر و گسست‌ناپذیر بین شیعیان و سنیان می‌انجامد. این سه اشتراک کلان از این قرار است:

۱. ورود هر دو گروه به فضای اسلام از دروازه‌ای شهادتین: تنها معیاری که عنوان مسلمان بودن را بر شیعیان و سنیان قابل انطباق می‌کند، شهادتین است. در واقع این اولین و مهم‌ترین نقطه‌ای اشتراک آنها است که هر دو را به یک اندازه وارد اسلام می‌کند و به آنها اعتبار مسلمانی می‌بخشد.

۲. هویت اسلامی: جوشیدن هویت اسلامی برای شیعه و سنی از سرچشمه‌ای سه تلاش است؛ «انتساب به اسلام»، «افتخار به اسلام» و «اصرار بر عزت اسلام». این اشتراک مهم شیعیان و اهل سنت به دلیل دو خصلت کلان‌بودنش و نیز پویایی و زایشی بودن آن، ظرفیت پردامنه‌ای را ایجاد کرده است. ظرفیتی که می‌تواند

از یک طرف به خاستگاهی برای ایجاد حرکت‌های همگرایانه‌ی جدی‌تری بین شیعه و سنی باشد و از طرف دیگر، نقشی چهارچوب‌بخش، قالب‌بخش و کنترل‌بخش را نسبت به این حرکت‌ها در جهت رهیدن از تعصب ویرانگر و بازدارنده ایفا نماید.

۳. اشتراک در نقش حفظ امت اسلامی به عنوان امت: امکان و ایفای نقش برپاداری امت اسلامی و حفظ آن توسط سنی و شیعه، از دل یک منطق برمی‌خیزد: اولاً هر کدام جزئی از این امت هستند و ثانیاً بدون حضور و نقش‌آفرینی همزمان هر دو، امت قوام نمی‌یابد و لباس وحدت بر تن نمی‌پوشد.

دوم: افزوده‌شدن یک اشتراک کلان جدید

امروزه امواج جهانی‌شدن به سرعت فراگیر می‌شود و حوزه‌های مختلف را درمی‌نوردد. مواجهه با واقعیت دنیایی که شتابان در حال جهانی‌شدن است، نباید منفعلانه باشد. رویکرد انفعالی نه تنها ما را از مزیت‌های دوران جدید در راه بسط اندیشه‌های خود محروم می‌سازد، بلکه به شیوه‌ای فزاینده انزوا را در عرصه‌های مختلف دامن می‌زند. در واقع فضای جهانی‌شده یک بازار تعامل را پیش کشیده است که در صورت استفاده‌ی مناسب می‌تواند به گسترش اندیشه‌ها و معارف اسلامی و برقراری وحدت اسلامی بینجامد.

اگر هراس‌های موجود میان شیعه و سنی از آبخور سوء ظن برمی‌خیزد، راه مقابله با آن، عمل به دستور قرآن است که باید از بسیاری از گمان‌ها برحذر بود.

به هر حال، پیدایش «وضعیت‌های در هم تنیده و به یکدیگر گره‌خورده» ویژگی دوره‌ای جدید و محصول و مولود گسترش سریع و شتابان ارتباطات در سطوح مختلف است. در چرخه‌ی این درهم تنیدگی بی‌سابقه، مقولات بسیاری به صورت ویژه‌تری گره‌خوردن میان خود را به رخ می‌کشند. از جمله این مقولات که به سمت درهم تنیدگی بیشتر شتاب گرفته است، مقوله‌ی سرنوشت ملت‌ها است.

در این میان می‌توان دست کم به دو نوع «پیوستگی سرنوشتی» اشاره کرد؛ یکی پیوسته‌تر شدن هر چه بیشتر سرنوشت ملت‌ها به یکدیگر در سطح جهان که از آن می‌توان به «پیوستگی جهانی در سرنوشت» یاد کرد. این نوع از پیوستگی، روندی از صیروت و پویا ویژه را در پیش گرفته است که باید گفت هنوز مشخصه‌های کامل و دقیقی از این صیروت در دست نیست. این نوشتار به بحث از این نوع نظر ندارد،

بلکه توجهش به نوع دوم پیوستگی است که سرنوشت اقوام، ملت‌ها و اتباع مذاهب اسلام را هدف گرفته است.

از این گونه می‌توان به «پیوستگی اسلامی در سرنوشت» یاد کرد. پیدایش این پیوستگی رو به پیش، دلائل مختلفی دارد. قوی‌ترین این دلائل آن است که اسلام حامل بار «تمدن تفهّمی گسترده» است؛ یعنی تمدنی که از رهگذر اجتهاد (تلاشی تفهّمی و دارای چهارچوب، روش و منابع مشخص) میرورت و تعامل خود را با عرصه‌های انسانی شکل می‌دهد.

سوم: بروز و نمودهای «پیوستگی در سرنوشت اسلامی»

چند صبا‌حی است که پدیده‌ای «پیوسته» تر شدن سرنوشت ملت‌های مسلمان به یکدیگر» اقتضات خود یا حداقل نشانه‌های آن را پیاپی و همراه با روندی رو به افزایش و با چهره‌ای جدّی و رهای از هر گونه تعارف و تسامح به بیرون آشکار می‌کند. این اقتضات را می‌توان این‌گونه توصیف کرد:

غیر ممکن شدن رهاسازی سرنوشت هر مذهب از سرنوشت امت؛ به این معنی که شیعه و سنی دو ستونی هستند که سقفی را برپا داشته‌اند که همانا سقف امت اسلام است. نبود یکی از این دو ستون، وضعیت سقف را به خطر می‌اندازد و ستون دیگر را نیز فاقد کارکرد با تمام ظرفیت خود می‌کند.

غیر ممکن شدن جداسازی سرنوشت اتباع هر مذهب (به عنوان بخشی از امت) از سرنوشت اتباع مذهب دیگر؛ اگر اقتضای اول (پیوند سرنوشت اتباع هر یک از شیعه و سنی به سرنوشت امت و اسلام) را بپذیریم، لاجرم باید به درهم‌تنیدگی دو سرنوشت اتباع دو مذهب شیعه و سنی اذعان کنیم.

سرایت خدشه‌های وارده به سرنوشت هر یک از دو بخش امت به بخش دیگر امت؛ اگر آسیبی از سوی بدخواهان متوجه یک بخش از امت شود - خواه آن بخش شیعه باشد یا سنی - ناخودآگاه و در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت و

قطعاً در درازمدت به طرف دیگر هم آسیب خواهد زد.

تزریق ادبیات شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به فضای مناسبات شیعی و سنی، از عمیق‌ترین چهارچوب‌های مفهومی و کارآمدترین برش‌های فکری است که توان بالایی را در شکستن نگاه‌های کلیشه‌ای و سطح‌اندیشانه دارد.

خودزنی‌کردن هر یک از شیعه و سنی در صورت تلاش علیه دیگری: به این معنی که اولاً هرگونه تحقیر یکی نسبت به دیگری متضمن «خودتحقیری» است. ثانیاً قداست‌زدایی هر یک از دیگری متضمن «قداست‌زدایی از خود» است. به این معنی که مثلاً به همین‌جا راه خواهد برد و به تعبیر دیگر، اجماع مرکبی را در نفی قداست‌های مسلمانان در عرصه‌ی گیتی عملاً به راه خواهد انداخت. ثالثاً تلاش هر یک برای به حاشیه بردن دیگری، به حاشیه راندن امت اسلامی است که خود مذهب تلاش‌کننده نیز بالتبع درون آن قرار دارد.

تلازم و تقارن «شیعه‌هراسی» و «سنی‌هراسی»: تزریق ادبیات شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به فضای مناسبات شیعی و سنی، از عمیق‌ترین چهارچوب‌های مفهومی و کارآمدترین برش‌های فکری است که توان بالایی را در شکستن نگاه‌های کلیشه‌ای و سطح‌اندیشانه از یک طرف و نیز منعکس نمودن خطری را در خود جای داده که در کمین مناسبات اسلامی نشسته است. تلازم و تقارن بین این دو مقوله در سه سطح وجود دارد:

(الف)

در سطح تحقق و شکل‌گیری بیرونی

(ب)

در سطح هدف‌گزینی؛ به این معنی که هر دو، یک هدف را پی‌می‌گیرند.

امروزه اسلام‌هراسی یکی از پدیده‌های حاصل از اراده‌ی بدخواهان علیه اسلام است. مخاطب اسلام‌هراسی - که یک پروژه است و نه یک پروسه - افکار عمومی جهانی است. کوشش دشمنان بر این است که افکار عمومی جهانی نگاهی بدبینانه نسبت به اسلام پیدا کنند. در ذیل اسلام‌هراسی، زنجیره‌ای از هراس‌ها جای گرفته که همه در ارتباط با اسلام‌هراسی است؛ از جمله ایران‌هراسی و عرب‌هراسی. به بیان دیگر، راهبرد ایجاد هراس نسبت به اسلام همانا ایجاد هراس‌هایی است درون فضای امت اسلامی که بر اساس آن، بخشی نسبت به بخش دیگر دچار هراس شدید گردد.

در این میان آن چیزی که به عنوان حرکت جدی‌تر در حال تعقیب است، شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی با این رویه و برای رساندن مخاطبان به این نتیجه‌ی نادرست است که: شیعه‌هراسی موطن افکار عمومی مسلمانان سنی‌مذهب، و سنی‌هراسی موطن دیدگاه‌ها و ذهنیت‌های شیعیان است. این در حالی است که شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی دو روی یک سکه‌اند که همان اسلام‌هراسی است. هراس‌های متقابل، هرکدام را به فکر سرنوشت خاص خود می‌اندازد. در نتیجه از این حقیقت غفلت می‌ورزند که سرنوشت مشترکی برای هر دو در قالب امت اسلام شکل گرفته است و این‌چنین تمرکز بر خرده‌سرنوشت‌ها باعث ایجاد فاصله‌های بزرگ میان امت اسلام از یکدیگر خواهد شد. آن‌چه که به عنوان خروجی این وضعیت در دو اردوگاه شیعه و سنی اتفاق می‌افتد، این است که هر دو سرنوشتشان مخدوش و معیوب خواهد شد و لذا امت اسلامی به جای این که در مسیر رشد و نمو حرکت کند، در مسیر انزوا و عدم پیشرفت جهانی قرار می‌گیرد.

باید اذعان کرد که شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی دو پدیده‌ای است که زمینه‌های داخلی به تقویت، موفقیت و فعال شدن آن مدد می‌رساند. اگر فعالیت‌ها و اعمال غیر مسئولانه در هر یک از دو اردوگاه شیعه و سنی انجام گیرد، به ایجاد یا تقویت زمینه‌های رشد هراس در طرف مقابل منتهی می‌شود.

ابعاد اسلام‌هراسی در غرب با گذشت زمان و در صورت عدم کنترل آن توسط مسلمانان در آینده بیشتر خواهد شد و راه آن از شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی در جامعه‌ی اسلامی می‌گذرد. شیعه‌هراسی، سنی‌هراسی، ایران‌هراسی و عرب‌هراسی، زنجیره‌هایی به هم پیوندخورده‌ای هستند که همگی راه به اسلام‌هراسی می‌برند و درون آن تعریف می‌شوند.

کلید بسیاری از تحولات، نگاه‌ها و رویکردهای اجتماعی در دستان رسانه‌ها قرار دارد. باید خطی روشن را ترسیم کرد و فراروی رسانه‌ها قرار داد. باید این واقعیت تلخ را که مسلمین همه‌ی رسانه‌های خود را به حال خود رها کرده‌اند، بر اساس آموزه‌های اسلام عزیز تغییر داد.

(ج)

در مرحله‌ی نتیجه‌بخش؛ به این معنی که هر یک از دو هراس (شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی) همزمان یا با تأخیری نه‌چندان طولانی به هر دو گروه ضربه می‌زنند.

صیانت‌کردن هر یک از دو گروه از خود در صورت کمک به دیگری برای برخوردار بودن از نشاط در فضای امت؛ به بیان دیگر، وضعیت شیعه و سنی به گونه‌ای شده است که هر یک از دو طرف برای این که بتواند سرنوشت خود و اسلام را حفظ کند، باید با مراقبت تمام، وضعیت‌هایی را پیگیری کند که در بخش دیگر این امت در حال رخ دادن است و بکوشد آسیب‌هایی را خنثی کند که متوجه بخش دیگر اسلام است.

چهارم: چه باید کرد؟

۱. افزودن بر احساسات و تعاملات:

در این شرایط باید به سرعت به سمت افزودن بر «احساسات محبت‌زا» و گسترش بخشیدن به «ارتباطات تعامل‌ساز» میان شیعه و سنی حرکت کنیم. برای تقویت احساس‌های عاطفی، زمینه‌های پرابتکار بسیاری وجود دارد که مهمل گذاشته شده‌اند. مناسک حج در نقطه‌ی کانونی این زمینه‌ها قرار دارد. حج اصولاً تمرین ایجاد و تقویت هم‌احساسی بین مسلمانان نسبت به یکدیگر است. حج بزرگ‌ترین برنامه‌ای است که در اسلام به صورت معجزه‌آسایی تعبیه شده تا بتواند مسلمانان را مکرراً در فضایی فارغ از هرگونه تعلقات، به سمت کسب بیشترین عواطف انسانی-معنوی و گسترده‌ترین روابط اخلاقی-الهی میان خود حرکت کنند و خود را از این حیث در مسیر تحول‌یابی و تولدپذیری مدام قرار دهند.

نگاهی به مناسک و فرازهای حج نشان می‌دهد که «احساس‌گم‌شدن در امت» از بارزترین عناصر و حالات ظهور و نمودیافته در آن است. لایه‌لایه‌ی حج، صحنه‌های بازتولید مکرر امت‌گرایی و امت‌خواهی است؛

از طواف همگرایانه و یکسان به دور کعبه گرفته تا تمرین رمّی دسته‌جمعی شیطان، از تقریر هم‌خوان انجام واجبات گرفته تا دوری‌گزیدن هم‌سان از محرّمات، از فعالیت یکسان در ظاهر گرفته تا کوشش‌های مشترک باطنی، همه و همه نشان می‌دهد که احساس بودن در امت و گم‌شدن در آن، با حج درآمیخته و در تار و پود آن حضوری تکرارشونده به هم رسانده است.

امت در حج و با داشتن چنین رویکرد اصیلی نباید شاهد وجود هراس میان خود و نسبت به خود باشد، بلکه باید امکانات احساسی انباشته در حج را به سمت هراس‌زدایی بارور سازد.

۲. تعیین خط قرمزها در مناسبات جهان اسلام:

صرف آگاهی از خطر کافی نیست؛ باید به خشکاندن زمینه‌های هراس‌افکنی‌های متقابل همت گماریم. باید مصلحت اصلی را در سرنوشت اسلام و امت اسلام متبلور ببینیم و آن را به عنوان خط قرمز و اصل اساسی لازم‌الرعایه در همه‌ی فعالیت‌ها و راهبردهای خود بدانیم. باید اذعان کنیم که اسلام اکنون بر سر یک دوراهی بزرگ قرار گرفته که می‌تواند با وحدت کلمه، بسط و نفوذ پیدا کند و فرصت‌های نهفته (یا در حال تولد) در سیوروت‌های جهانی را به نفع خود برای حضوری پرتکاپو، پیشرفتی خیره‌کننده، قوت و قدرتی متعالی رقم زند و در مسیر انسانی‌سازی جامعه‌ی جهانی و متعادل ساختن روندهای جهانی، نقش‌آسای ایفا کند. در غیر این صورت نه تنها توان ایفای نقش را از دست خواهد داد، که در مسیر انزوا نیز پیش خواهد رفت.

۳. دخالت عقلای امت:

صدها امکان فکری و عملی در مقابل امت صف کشیده‌اند که می‌توانند خاستگاه‌های مطلوبی برای حرکتی همگرایانه قرار گیرند. در شرایط کنونی اقدام عقلای امت بر ایجاد کوشش متمرکز و متراکم نسبت به ایجاد حسن ظن متقابل، نقطه‌ی عطفی را در تحول در روابط شیعه و سنی شکل خواهد داد.

و صد البته این همه به شرط آن است که به لوازم چنین حرکتی تن دهیم. در این چهارچوب دخالت سریع عقلای شیعه و سنی به منظور عقد میثاق‌های جهان اسلامی ضرورتی غیر قابل انکار پیدا کرده است و سهل‌انگاری در این زمینه به معنی از دست رفتن فرصت‌های بزرگ است. اعاده‌ی این فرصت‌ها حتی اگر

بعداً امکان پذیر گردد، به معنی اعاده ای است که پس از انقضای وقت و ایجاد هزینه های بسیار و کمرشکن برای امت رخ می دهد. عقلای قوم باید بر چند چیز تأکید کنند:

(الف)

مبنا قراردادن آیه ای شریفه ای «إِنَّ سَبَّ بَعْضِ الطَّائِفَاتِ إِثْمٌ»

۱

: عالمان در فتاوا و نخبگان در تصمیمات و ... باید به تطبیق جدی و گسترده ای این آیه بر آنچه امروزه در مناسبات شیعه و سنی می گذرد، همت گمارند. اگر هراس های موجود میان شیعه و سنی از آبخور سوء طن برمی خیزد، راه مقابله با آن، عمل به دستور قرآن است که باید از بسیاری از گمان ها برحذر بود.

(ب)

مبنا قراردادن اصل «اتَّقُوا مِنْ مَوَاضِعِ التُّهْمِ»

۲

در تعریف و تشکیل مناسبات؛ بر این اساس، اجتناب هر طرف از بسیاری از امور که او را در معرض تهمت قرار می دهد و نیز شفاف سازی نگاه ها و رویکردها ضرورت پیدا می کند.

(ج)

مبنا قراردادن آیه ای شریفه ای «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَدْبٍ أَوْ فَتَنَ بَيْتَكُمْ»

۳

در فضاهای رسانه ای؛ بی گمان کلید بسیاری از تحولات، نگاه ها و رویکردهای اجتماعی در دستان

رسانه‌ها قرار دارد. یکی از راه‌های مقابله‌ی جدی با راهبرد «ایجاد هراس دوجانبه»، بستن میثاق یا میثاق‌هایی فراگیر در سطح جهان اسلام در خصوص رسانه‌ها است. باید خطی روشن را ترسیم کرد و فراروی رسانه‌ها قرار داد. باید این واقعیت تلخ را که مسلمین همه‌ی رسانه‌های خود را به حال خود رها کرده‌اند، بر اساس آموزه‌های اسلام عزیز تغییر داد تا به فلاح و رستگاری رسید.

پی‌نوشت‌ها :

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی «جُرّات»، بخشی از آیه‌ی ۱۲: همانا برخی گمان‌ها گناه است.

۲. از جایگاه‌های تهمت و بدنامی بپرهیزید.

۳. سوره‌ی مبارکه‌ی «جُرّات»، بخشی از آیه‌ی ۶: اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واری و بررسی کنید

حجت الاسلام دکتر مبلغی

<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=21373>